

ایوب و دخترانش

Hans-Jörg Ronsdorf · آوریل 2021 · بازنگری شده در اکتبر 2026

از طریق یک رشته سخنرانی درباره کتاب ایوب، توجهم به دختران ایوب جلب شد. آنان فقط جزئیاتی کوچک در کتابی شگفت‌انگیز از دوران باستان‌اند. این کتاب از چشمگیرترین آثار ادبی تاریخ است. خواندنش آسان نیست، و برای یک کتاب مقدس نسبتاً طولانی است. هر کس بتواند آن را یک نفس بخواند، سونامی‌ای برای ذهن، دل و روح تجربه می‌کند. موضوع این پرسش است که چرا ایوب عادل و بی‌عیب و خانواده‌اش باید چنین رنج و سرنوشت ناعادلانه‌ای را از سر بگذرانند. این پرسش بزرگ تا امروز است، و کتاب ایوب در قالب ادبیات حکمت، کمکی سودمند به این پرسش است. پاسخ نهایی را ایوب نیز نمی‌دهد. پاسخ، آن‌گونه که ایوب و دوستانش می‌کوشند استدلال کنند، الهیات پاداش و کیفری نیست که به سادگی اعلام کند: عادل برکت می‌یابد، ظالم مجازات می‌شود. این اصل پاسخ رنج در جهان نیست.

اما این اصلاً موضوع من نیست. چنان‌که گفتم، موضوع جزئیاتی کوچک است، یک «محصول جانبی»، که با موضوع نقش زن در کتاب مقدس ارتباط دارد. تا کنون نه در کتابم و نه در نوشته‌های پس از آن به زنان در عهد عتیق پرداخته‌ام. در عهد عتیق زنانی هستند که نبیه، ملکه، داور و رهبر بودند (برای نمونه مریم، دبوره و حلدیه به‌عنوان نبیه؛ دبوره به‌عنوان داور؛ استر به‌عنوان ملکه). نه به‌عنوان امری عادی، بلکه به‌عنوان استثنا. اما کسی که از این نتیجه بگیرد که این تصویری از نقش‌هاست که خدا خواسته، باید از عهد عتیق دلیل بیاورد که مردان باید رهبری کنند و زنان پیروی. خود روایت آفرینش نمی‌تواند چنین دلیلی باشد. بلکه عدم توازن سلسله‌مراتبی میان مرد و زن پیامد سقوط است و به بخشی شکل‌دهنده از جوامع همه‌زمان‌ها، با شکل‌های گوناگون، تبدیل شده است. ***سلسله‌مراتب نه پیش از سقوط، بلکه تازه پس از سقوط پدیدار می‌شود.

ایوب و خانواده بزرگش کی زندگی می‌کردند؟

سنت یهودی ایوب را در زمان ابراهیم (و ملک‌صدق) می‌داند. البته نظریه‌های دیگری هم هست درباره اینکه این داستان کی رخ داده است، اما منطقی است که به این زمان بیندیشیم و یک بار زندگی، چالش‌ها و آزمایش‌های ابراهیم و ایوب را با هم مقایسه کنیم.

پس این دو مرد پیش از دادن شریعت، پیش از نظام قربانی‌ای که بر پایه شریعت باشد، زندگی می‌کنند. یکی پدر یک قوم و افزون بر آن پدر زمینی همه ایمانداران می‌شود. ایوب، از سرزمین عوص، عبرانی نیست، اسرائیلی نیست. و با این حال خدای زنده را می‌شناخت. اینکه چگونه یا بر پایه کدام مکاشفه او را می‌شناخت، نمی‌دانیم. خدا در باب‌های پایانی کتاب مستقیماً با ایوب سخن گفت. و ایوب حتی گفت: «اما

الآن چشم من تو را می بیند» (ایوب 5:42). و این شفای درونی او بود. گمان می رود ایوب در اردن زندگی می کرد، در منطقه ای آمیخته از سکونت یک جانشین و بیابان.

داستان ایوب شناخته شده است. شیطان دیدگاه خود را دارد که ایمان به خدا چگونه کار می کند: این یک داد و ستد است، یا حتی بازی ای کثیف. بدون پاداش هیچ وفاداری ای به خدا وجود ندارد. ایوب، یکی از ثروتمندترین مردان خاور نزدیک، کسی است که باید نمونه ای شود که نشان دهد شیطان اشتباه می کند. شاید نه درباره همه کسانی که به خدا ایمان دارند، اما درباره ایوب. بهای این اثبات سنگین است. اما پایان کار ایوب زخم هایش را شفا می دهد. پایانی که در زندگی واقعی کمتر یافت می شود. بسیاری از رنج دیدگان در این زندگی و این رنج، رهایی ای مانند ایوب را تجربه نمی کنند.

در باب آخر به ایوب همه چیز دو برابر بازگردانده می شود. آنچه شیطان از او ربوده، دو برابر به او بازمی گردد. 10 فرزند از دست داده بود، 10 فرزند پس از پایان رنجش به دست می آورد:

ایوب 13:42 و او را هفت پسر و سه دختر بود.

14 و دختر اول را میمه، یعنی قمری، و دوم را قصیعه، یعنی شکوفه دارچین، و سوم را قرن هفوک، یعنی سرمه دانک، نام نهاد.

15 و در تمامی زمین زنانی به زیبایی دختران ایوب یافت نشدند، و پدرشان در میان برادرانشان به ایشان میراث داد.

این برجسته سازی ویژه، و در عهد عتیق تقریباً بی همتای سه دختر، دگرگونی سرنوشت ایوب را نشان می دهد. همان قدر که این برجسته سازی دختران ویژه و غیرعادی است، دگرگونی سرنوشت ایوب نیز بی همتاست.

چه چیزی در این عجیب است؟

خب، اینکه در این دوران پدرسالاری، در زمانی که زنان مانند کالاها یا اشیا ملک و دارایی بودند، دو چیز به چشم می آید:

1. فقط سه دختر با نام یاد می شوند، نه پسران.

2. دختران درست مانند برادرانشان ارث می برند.

خود ایوب است که نام ها را می گذارد و میراث را به آنان می بخشد، بی آنکه برادران را برتری دهد. در اینجا قدرشناسی بزرگ ایوب، یعنی پدر، نسبت به دخترانش دیده می شود، آن هم برخلاف جریان زمانه و فرهنگش. این فقط یک گمان است، نه به عنوان برهان، بلکه بیشتر به عنوان قرینه: آیا رنج ها دیدگاه ایوب را درباره زنان تغییر دادند؟

او مانند ابراهیم و مانند ما فرزند زمانه خود بود. او و ما از جامعه ای که در آن زندگی می کنیم شکل گرفته ایم. تصویر زن در آن زمان (و نیز امروز) با سخن کیفر به حوا در پیدایش 3:16 مطابقت داشت: «اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود و او بر تو حکمرانی خواهد کرد». من همیشه گفته ام که این رابطه شوهر با همسر و بالعکس، در همه شکل های ممکنش منفی نبود، با معیار آنچه خدا در نظر داشت.

استثنای مثبتی هم بود، اما آن‌ها قاعده را تأیید می‌کردند. پدرسالاری تصویری از پدر بودن خدا بر خانواده‌اش نیست، بلکه ساختاری دنیوی و اجتماعی از خانواده و طایفه است، با شکل‌های گوناگون در همه قاره‌ها، تا درون جهان محافظه‌کار مسیحیان انجیلی.

به هر حال، ایوب چیزی ویژه را نه در پسران، بلکه در دختران می‌بیند.

ما مهم‌ترین درس‌های زندگی را نه از راه چیزهای خوب و خوشایند، بلکه از راه رنج می‌آموزیم. رنج‌ها ما را دگرگون می‌کنند. اما هیچ اطمینانی نیست که رنج‌ها همیشه ما را به سوی خدا بکشانند. تجربه خوب و بد هر دو می‌تواند ما را به سوی خدا بکشاند، اما می‌تواند ما را از او دور هم کند، اگر واکنش ما خشم و ناامیدی باشد. ایوب به گونه‌ای پالوده از رنج‌ها بیرون می‌آید. او با خدا در صلح است، و همچنین با همنوعانش، از همسرش گرفته.

دیدگاه امروزی بسیاری از مسیحیان محافظه‌کار درباره مسئله جنسیت، تسلیم سلسله‌مراتبی زن و منع او از سخن گفتن، تعلیم دادن و رهبری کردن در جلسه پرستشی است. و حوزه خانه میدان کتاب مقدسی فعالیت او شمرده می‌شود. این دیدگاه چنان در میان کشیشان و مشایخ یا رهبران امروزی کلیساها ریشه دوانده است که باید اتفاقی ویژه بیفتد تا این دیدگاه دنیوی را رها کنند و نگاه آفریدگار و نجات‌دهنده را بپذیرند. نه، منظورم این نیست که برای این کار یک داستان ایوب شخصی لازم است، بلکه فقط اینکه برای تغییر فکر کافی نیست فقط فرمولی را جابه‌جا کرد. موضوع بسیار عمیق‌تر است و شهادت می‌خواهد که از نو ببیندیشیم، برای آن بایستیم و بر پایه آن عمل کنیم.

ضمناً سخن بر سر این نیست که مردان نباید زنان را زیبا بدانند. آخر آن سه دختر زیبارویانی چشمگیر بودند، تقریباً مانند سه فرشته برای ایوب. مردان می‌خواهند این زیبایی را از آن خود کنند. آنان این زیبایی را آرزو می‌کنند و این حق را هم دارند. اما نه به عنوان دارایی‌ای که آزادانه در اختیارشان باشد، بلکه برای اینکه از آن محافظت کنند، از آن لذت ببرند و به آن وفادار بمانند. همان‌گونه که خود ایوب چنین زیست (ایوب 31:1).

نام‌ها

نام‌های سه دختر برای گوش ما غیرعادی است، اما مانند بسیاری از موارد در عهد عتیق، پرمعناست. بندیکت پترز (Benedikt Peters) در تفسیرش بر کتاب ایوب آن‌ها را چنین توضیح می‌دهد:

«آیه 14. "و دختر اول را ... نام نهاد": ما فقط نام‌های دختران ایوب را می‌دانیم. نخستین **یمیمه** نام داشت، jəmîmâh, jôm, "روز"، یعنی تقریباً "روشن چون روز". این تقریباً با نام زنانه یونانی هلن، "آن‌که روشن می‌درخشد"، مطابقت دارد. پس از شب رنج، اکنون روزی روشن از کامیابی بر ایوب طلوع کرده است. این نام بنا بر ریشه‌ای عربی می‌تواند به معنای "کبوتر" نیز باشد.

دومی **قصیه** نام داشت، qəṣî'âh, که همان ادویه خوشبوی سلیخه است (خروج 30:24؛ مزامیر 45:8). قرن هفوک، qæræn happûk, شاخی است که در آن سرمه، سرمه سیاه چشم زنان، را نگه می‌داشتند.¹

«سه نام که به کامیابی بازیافته او اشاره دارند (پیدایش 4:25؛ 5:29).

میمه – «روشنایی روز»، پس از «شب» بدبختی‌اش؛ اما به نظر ماورر (MAURER)، «کبوتر».

قصیه – «سلیخه»، گیاهی معطر (مزامیر 45:8)، به جای نقس ناخوشایند (19:17) و دمل‌هایش.

قرن هفوک – «شاخ سرمه»، رنگی که زنان پلک‌های خود را با آن رنگ می‌کردند؛ در برابر «شاخ او که در خاک آلوده شده» (یا: غرور و آبرویم در گل افتاده است، Neues Leben – ترجمه آلمانی کتاب مقدس) (ایوب 16:15).

نام‌ها به زیبایی دخترانش نیز اشاره دارند.²

یک سهم میراث

«آیه 15. "میراث در میان ... برادران" – لطفی غیرعادی در مشرق‌زمین برای دختران، که بنا بر شریعت یهود فقط زمانی ارث می‌بردند که پسری نبود (اعداد 27:8)، دلیلی بر کامیابی و یکدلی.³»

«و پدرشان میراثشان را در میان برادرانشان به آنان داد. این کار ایوب، که به شدت با احکام شریعت موسی مغایر است (اعداد 27:8)، اما همتای آن را بیشتر در برخی رسوم خانوادگی عرب‌ها می‌توان یافت تا در رسوم خاص عبرانی، برای این بود که دختران بتوانند حتی پس از ازدواج همچنان در میان برادرانشان زندگی کنند؛ از این رو به‌عنوان نشانه یکدلی برادرانه و خواهرانه یاد می‌شود که در میان این فرزندان بعدی ایوب، همچون فرزندان پیشین، حاکم بود (مقایسه کنید با 1:4).⁴»

بندیکت پترز در تفسیرش بر کتاب ایوب به‌درستی می‌نویسد: «وقتی خدا ما را به نام می‌خواند یا به ما نامی می‌دهد، نشان می‌دهد که ما برای او چه معنایی داریم. بازگرداندن ایوب یقیناً بیعانه‌ای برای بازگرداندن همه‌چیز در پایان دوران‌هاست. آنگاه زنان نیز سرانجام به آن جایگاه برافراشته خواهند شد، و سرانجام حرمتی به آنان خواهد رسید که در طول هزاره‌های تاریخ بشر از آنان دریغ شده است، حرمتی که مردان بدهکار آن به ایشان‌اند: "و همچنین ای شوهران، با فطانت با ایشان زیست کنید چون با ظروف ضعیف‌تر زنانه، و ایشان را محترم دارید چون با شما وارث فیض حیات نیز هستند تا دعا‌های شما بازداشته نشود" (اول پطرس 3:7). مردان باید به همسران خود حرمتی را بدهند که به‌عنوان وارثان حق آنان است، زیرا "پدرشان" به آنان "میراثی در میان برادرانشان" داده است (مقایسه کنید با اعداد 27:7).⁵»

پطرس در زمانه مردسالار خود لازم می‌داند که حتی مردان ایماندار را متوجه کند که زنان اکنون به همان اندازه ارث می‌برند. این در شریعت موسی فقط زمانی بود که برادری در کار نبود.

اما در مسیح نه مرد هست و نه زن (غلاطیان 3:28). پس برکت می‌بود اگر بندیکت پترز نیز زنان را فقط تا اندازه‌ای به جایگاهی که به نظر او حق آنان است برنمی‌افراشت، بلکه همه راه را می‌پیمود. تحمیل تسلیم یک‌طرفه بر آنان، منع آنان از سخن گفتن (دعا، موعظه، تعلیم) و از رهبری، دقیقاً نشانه‌های جهان سقوط‌کرده‌اند و نه آفرینش تازه، که تازه در آینده نمی‌آید، بلکه با کلیسا به‌عنوان انسان تازه از هم‌اکنون آغاز شده است (افسیان 2:15).

این بود سخن من درباره دختران ایوب، که مانند فانوسی دریایی از میان انبوه مردم برجسته‌اند و از همان دوران باستان نشانه‌ای بودند از اینکه زنان چه ارزشمندند و باید با برادرانشان برابر باشند. اگر آن زمان چنین

پی‌نوشت‌ها

1. Benedikt Peters, Kommentar zum Buch Hiob (به زبان آلمانی), Bielefeld: CLV 2020, ص. 412.
2. Jamieson, R. / Fausset, A. R. / Brown, D., Commentary Critical and Explanatory on the Whole Bible, I, Logos .Research Systems, Inc., Oak Harbor, WA 1997, 344
3. Jamieson, R. / Fausset, A. R. / Brown, D., Commentary Critical and Explanatory on the Whole Bible, I, Logos .Research Systems, Inc., Oak Harbor, WA 1997, 344
4. Lange, J. P. / Schaff, P. / Lewis, T. / Zöckler, O. / Evans, L. J., A Commentary on the Holy Scriptures: Job, Logos .Bible Software, Bellingham, WA 2008, 631
5. Peters, Kommentar zum Buch Hiob, ص. 412.